



انتخابات مجلس، نگاه‌ها

رقابت برای تصاحب اکثریت مجلس پنجم آغاز شده است. مجلس پنجم از دو زاویه حائز اهمیت بسیار است، اول انتخابات آینده ریاست جمهوری که جناح‌های سیاسی مه‌جود به دست آوردن اکثریت در مجلس را سکوی پرشی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری می‌دانند و دوم به خاطر شرایط ویژه و حساس سیاسی و اقتصادی کشور.

در انتخابات مجلس چهارم دو جناح عمده روحانیت مبارز و روحانیون مبارز برای تصاحب کرسی‌های مجلس به رقابت پرداختند، اما این بار جناح سومی نیز می‌خواهد خود را مطرح کند و امیدوار است کرسی‌های زیادی را در مجلس به دست آورد.

آقای شعله سعدی نماینده شیراز در مجلس در مورد این جناح می‌گوید: «جناح مستقل به عنوان یک گرایش فراگیر، در آینده به صورت جناحی متشکل در حیات سیاسی کشور حضور خواهد یافت... ما در حال بررسی هستیم که این حزب را به همین زودی تشکیل دهیم یا آن را موکول به بعد از انتخابات کنیم». وی در مورد دیدگاه‌های این جناح می‌گوید: «اعضای این جناح مسلمان بوده و پای‌بند به ولایت فقیه هستند و معتقدند باید کارها را به اهل‌شان سپرد و این‌ها کسانی هستند که تکنیک و توانایی عمل دارند و علاقمند به تحکیم نهادهای دموکراتیک مانند مجلس شورای اسلامی و تشکیل شوراها، احزاب و تشکل‌های سیاسی هستند و به آزادی تصریح شده در قانون اساسی از قبیل آزادی بیان و حقوق فردی، پای‌بند هستند». وی درباره ترکیب احتمالی نمایندگان مجلس پنجم می‌گوید: «در صورت برگزاری یک انتخابات آزاد، جناح راست بخشی از کرسی‌های خود را از دست خواهد داد و تعداد کرسی‌های جناح چپ ثابت مانده و یا اندکی رشد خواهد کرد و کرسی‌های مابقی توسط مستقل‌ها و تکنوکرات‌ها اشغال می‌شود».

اما آقای نصرتی راد نماینده رشت نظر دیگری در مورد جناح تکنوکرات دارد وی می‌گوید: «تکنوکرات‌ها اعتقادشان در زمینه سیاست خارجی بر مبنای سازش استوار است و در بعد داخلی نیز سعی دارند با حالت‌های خاص و سیاست‌های

تقریباً جنگ و گریز حاکمیت مطلقه ولایت فقیه به ویژه جدایی روحانیت از سیاست را پی‌گیری کنند». ایشان در مورد وضعیت مستقل‌ها در مجلس می‌گوید: «مستقل‌ها با توجه به شرایط حرکت می‌کنند و در جایی که مخالف افکارشان است حرکت به سمت چپ دارند و در مسایلی که احساس موافقت دارند به سوی راست و یا بعضاً به هر دو جناح تمایل پیدا می‌کنند... کسانی که با علم مستقل وارد مجلس چهارم شدند به یکی از دو جناح موجود جذب شده‌اند، ولی در اواخر مجلس چهارم تعداد قلیلی با شعار تعدیل از سیاست خارجی به خصوص در ارتباط با مسأله آمریکا، سلمان رشدی و به طور محسوس در رابطه با حاکمیت ولایت مطلقه فقیه به طور ناهماهنگ و بریده در سمت‌گیری‌های سیاسی خودشان عنوان کردند».

جناح موسوم به راست گرچه حضور احزاب را مثبت می‌داند اما آن را چندان هم با اهمیت تلقی نمی‌کند. آقای لاریجانی در این مورد می‌گوید: «آنچه اهمیت دارد برگزاری انتخابات سالم است، ولی تجربه نشان داده است که تشکیلات حزبی در کشورهای جهان سوم موفق نبوده‌اند... به نظر من می‌توان بدون این که درگیر بازی‌های حزبی به مفهوم موجود در کشورهای دموکراسی لیبرال شد، انتخاباتی سالم و خوب را برگزار کرد».

آقای نصرتی راد درباره جناح روحانیون مبارز می‌گوید: «با توجه به این که سران این جناح اعلام نموده‌اند که در تهران کاندیدای خود را معرفی نخواهند کرد، ولی بر اساس تحقیقات انجام شده مجمع روحانیون مبارز در شهرستان‌ها گروه‌های خاص خود را راهی مجلس خواهند کرد».

علی‌رغم موضع‌گیری شورای نگهبان در مورد کسانی که در دوره پیش صلاحیتشان رد شده مجدداً می‌توانند کاندیدا شوند و اگر دلایلی که موجب رد صلاحیتشان شده بود به قوت خود باقی نباشد و یا در گذشته اشتباهی درباره‌شان رخ داده باشد صلاحیتشان تأیید خواهد شد؛ روحانیون مبارز اعلام کردند که خود کاندیدایی معرفی نخواهند کرد ولی مردم را به شرکت در انتخابات و رأی دادن به اصلح‌ترین کاندیدا دعوت کردند،

موضوع‌گیری روزنامه سلام نیز بر همین اساس استوار بود. علی‌رغم این موضوع جناح موسوم به راست خواستار شرکت فعال روحانیون مبارز شده است. به گفته روزنامه سلام حتا تلاش‌هایی برای قرار دادن نام دو تن از اعضای روحانیون مبارز در لیست روحانیت مبارز صورت گرفت که ۲ عضو روحانیون مبارز حاضر به قبول این امر نشدند. در این میان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تصمیم به شرکت مشروط در انتخابات گرفت، در بخشی از اطلاعاتی این سازمان آمده است: «یکی از عرصه‌های مهم ایفای نقش سیاسی، عرصه انتخابات پارلمانی است که مبارزه سیاسی رقابت‌آمیز در آینه آن انعکاس بارزی می‌یابد و ما به عنوان یک سازمان سیاسی زنده و فعال، خود را موظف می‌دانیم که در این عرصه حضور یافته با مردم سخن گفته و خطرها و تهدیداتی را که برای آینده کشور، انقلاب و نظام احساس می‌کنیم به آگاهی آنان برسانیم و تا سرحد امکان، با تکیه بر حمایت و رای مردم، نگذاریم که مجلس شورای اسلامی، به زیر حاکمیت انحصاری راست سنتی درآید. روشن است که این همه در گروه شرایط نظارتی - اجرایی و روند امر انتخابات از آغاز تا پایان می‌باشد و در صورتی که تصمیم‌گیرندگان ما را از حقوق و انجام تکالیف سیاسی خود باز دارند و با ایجاد فضای مسموم و اتخاذ مواضع مغایر با روح قانون اساسی و اسلامیت و جمهوریت نظام، امکان انجام وظیفه را از ما سلب کند، در چنین صورتی طبق اصول میرامی و اعتقادی، خود را مجاز خواهیم دانست که با اعلام انصراف از ارایه لیست کاندیداهای، به عنوان اعتراض صحنه انتخاباتی را ترک گوئیم و در توضیح علل عدم مشارکت خویش دلایل مقنع و موجهی را عرضه داریم».

در این میان بیانیه ۱۶ عضو دولت و اعلام شرکت در انتخابات و ارایه لیست مستقل از سوی آن‌ها باعث واکنش شدید اکثریت مجلس شد. در بخشی از بیانیه ۱۶ عضو دولت آمده است: «امروز که نیازهای مبرم دوران اولیه انقلاب برآورد شده است و پایه‌های نظام در عالی‌ترین وضع محکم تثبیت گشته و موجودیت انقلاب و نظام را

جدول شماره ۱ - مدرک تحصیلی نمایندگان مجلس اول تا چهارم

موضوع	مجلس اول	مجلس دوم	مجلس سوم	مجلس چهارم
افراد با مدرک دکترا در رشته‌های مختلف	۱۹	۱۰	۱۸	۲۶
افراد با مدرک فوق لیسانس	۲۷	۱۹	۱۶	۳۲
افراد با مدرک لیسانس	۳۸	۲۴	۸۷	۸۰
افراد با مدرک فوق دیپلم	۱۳	۲۱	۲۳	۱۳
افزادگی که در سطح خارج بودند	۷۵	۱۰۸	۵۳	۴۱
افزادگی که در سطح بودند	۱۹	۱۸	۱۲	۱۰
دانشجویان	۴	۷	۱۱	۱۶
دیپلمه‌ها	۱۱	۱۳	۲۹	۱۳
روحانیون دارای درجه اجتهاد	۲۱	۲۲	۱۳	۱۴
افراد زیر دیپلم	۵	۱۱	۵	۲

جدول شماره ۲ - ترکیب نمایندگان مجلس اول تا چهارم

موضوع	مجلس اول	مجلس دوم	مجلس سوم	مجلس چهارم
تعداد افراد روحانی	۱۱۷	۱۴۹	۷۸	۶۵
تعداد افراد غیر روحانی	۱۱۷	۱۲۵	۱۸۹	۱۹۲
تعداد نمایندگان زن	۳	۴	۴	۹
تعداد نمایندگان مرد	۲۳۰	۲۶۶	۲۶۳	۲۵۰

وابسته نیست، لذا هیچ احساس پاسخ‌گویی در قبال جامعه نداشته و نسبت به تشکیل احزاب تمایل چندانی از خود نشان نداده است. وی در خصوص انتخابات مجلس پنجم می‌گوید: «در شهر تهران و شهرهای بزرگ طبقه متوسط جدید هم به لحاظ تعدادشان و هم به لحاظ تأثیر و نفوذی که در جامعه دارند شانس پیروزی مستقل‌ها و تکنوکرات‌ها را در انتخابات آتی افزایش می‌دهند. در این میان سخن از موضع‌گیری نهضت آزادی نسبت به انتخابات است. دکتر یزدی در مصاحبه با روزنامه دانشمارکی «پولیتیکن دیلی» می‌گوید: «وضعیت سیاسی و اقتصادی و همچنین روابط خارجی، هنوز هم در یک مرحله بحرانی قرار دارد. تقریباً تمام طرف‌های درگیر به این نتیجه رسیده‌اند که اصلاح اساسی در درون حاکمیت به سوی باز شدن جو سیاسی و تسامح و تحمل سیاسی، درمان غیرقابل اجتناب، ضروری و فوری می‌باشد. این روزها حتی مقامات برجسته حاکمیت چنین گامی را یک ضرورت تبلیغ می‌کنند. انتخابات آینده به هر حال فرصت باارزشی برای مردم است تا صداقت مسئولان را مورد آزمایش قرار دهند و ببینند که آیا آنها شرکت احزاب مخالف را تحمل می‌کنند یا خیر؟»

به هر حال، شرکت و یا عدم شرکت نهضت آزادی در انتخابات نمی‌تواند تأثیر چندانی بر ترکیب مجلس بگذارد، و در واقع رقابت اصلی در انتخابات مجلس پنجم با ۳ جناح اصلی یعنی روحانیت مبارز، روحانیون مبارز و تکنوکرات‌ها باقی خواهد بود. جدا از جناح‌بندی‌های موجود در مجلس، بررسی ترکیب مجلس اول تا چهارم از نظر میزان تحصیلات، تعداد روحانی و تعداد نمایندگان زن قابل توجه است. جداول شماره ۱ و ۲ این موارد را روشن می‌سازد.

انتخابات، بودجه و مجلس

همان‌طور که اشاره شد مجلس پنجم به خاطر شرایط خاص سیاسی و اقتصادی کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروز یکی از سنگ‌های تبلیغاتی برای جناح‌های مختلف مواضع سیاسی و به ویژه اقتصادی آن‌ها در رابطه با معضلاتی است که فراروی دولت و مجلس آینده قرار دارد. به دنبال تعدیل سیاست تعدیل اقتصادی که در پی افزایش نرخ دلار در بازار آزاد تا ۷۰۰۰ ریال و افزایش نرخ سایر کالاها صورت گرفت اختلافات جناح‌ها اوج گرفت و جناح‌ها یکدیگر را مسئول این وضع دانستند. جناح موسوم به چپ‌گرانی، افزایش تورم و سایر معضلات اقتصادی را ناشی از

مبارز، گروه مستقل‌ها و نیز عده‌ای که در هر زمان طرفدار جناح حاکم هستند وجود دارند. وی معتقد است: «محور اصلی طرز تفکر گروه مستقل‌ها در زمینه پیشرفت مسایل صنعتی و شکوفایی کشور در زمینه‌های مختلف به خصوص در بُعد تکنولوژی استوار است». وی در مورد ترکیب احتمالی مجلس پنجم می‌گوید: «با توجه به روند کنونی و گرایش افکار عمومی جامعه به سمت مستقل‌ها پیش‌بینی می‌شود که شمار این گروه در مجلس پنجم نسبت به دوره چهارم بسیار بیشتر شود. با توجه به شرایط کنونی پیش‌بینی می‌شود جناح اکثریت (روحانیت مبارز) در دور آتی مجلس تعداد قابل توجهی از حدود یک‌صد و ده کرسی فعلی خود را از دست بدهند... طرفداران جناح چپ (روحانیون مبارز) که خود نیز دارای اندیشه‌های مستقل در زمینه‌های مختلف می‌باشند، در دور پنجم مجلس با گروه مستقل‌ها ائتلاف خواهند کرد».

آقای دکتر هادیان استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌گوید: «در جوامع غربی چون منبع تأمین‌کننده اقتصادی و مالی دولت طبقات اجتماعی و خصوصاً طبقه سرمایه‌دار می‌باشند، دولت در تصمیمات و رفتار خود بلاشک منافع طبقات اجتماعی را ملحوظ می‌دارد. این در حالیست که دولت در ایران به علت برخورداری از منابع نفتی نسبت به طبقات اجتماعی استقلال نسبی داشته و از طریق هزینه کردن درآمدهای نفتی با جامعه ارتباط برقرار کرده است. بنابراین در جامعه ما چون دولت به درآمد اخذ شده از جامعه

تهاجمات خارجی تهدید نمی‌کند و کشور از ناحیه دشمن بیرونی تا حد اطمینان بخشی از نگرانی رهیده و عمده مقدرات و امکانات او در مسیر تضعیف پایگاه اقتصادی و قدرت سازندگی و بالندگی کشور متمرکز گشته و به کار گرفته می‌شود، باید سلاح کارایی و خبرویت خویش را به سوی خطراتی نشانه رویم که در لباس عدم توسعه یافتگی ظهور خواهد یافت و با تقویت سیاست‌های اقتصادی و بهبود ساختار اجتماعی و تعمیم و تقویت اعتماد عمومی مردم نسبت به دولت خدمتگزار، علاقه و عقیده آحاد ملت را به قدرت، کفایت و صلاحیت خویش برای اداره حکومت اسلامی بیشتر نماییم». در پی انتشار بیانیه، اکثریت مجلس با انتشار نامه‌ای با امضای حدود ۱۵۰ نماینده ضمن آن که مطالب آن بیانیه را توهین به مجلس چهارم دانستند نوشتند: «معتقدیم هیچ فرد یا گروهی نباید به بهانه شرکت در انتخابات حرمت‌ها را نادیده بگیرد و حریم‌ها را بشکند و در مورد اقدام اخیر، این آقایان باید از مجلس چهارم عذرخواهی کنند». جمعیت مؤتلفه اسلامی نیز این بیانیه را ناقص قانون اساسی دانست.

بیانیه «گروه سازندگان»، در واقع، بیش از هر چیز بیانگر شرکت فعال یک جناح سیاسی در انتخابات و مواضع آن‌ها و نیز شعارهای شان در جریان انتخابات خواهد بود. آقای کریمی نماینده شوشتر در مورد ترکیب مجلس چهارم می‌گوید: «هم‌اکنون جناح‌های اکثریت (روحانیت مبارز)، اقلیت (روحانیون

جدول شماره ۳

ردیف	سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
۱	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)	۵۰۱۰۷	۶۴۴۶۳	۹۱۱۲۴	۱۲۸۰۲۳
۲	استهلاک (میلیارد ریال)	۷۶۰۱	۹۹۱۹	۱۴۲۷۴	۱۸۵۵۸
۳	سرمایه گذاری ناخالص (میلیارد ریال)	۱۰۸۴۲	۱۴۶۲۰	۲۰۶۵۷	۲۷۹۲۱
۴	درصد ۱ به ۳	۲۱/۶	۲۲/۱	۲۲/۷	۲۱/۸
۵	درصد ۲ به ۳	۷۰/۱	۶۷/۸	۶۹/۱	۶۶/۲
۶	سهم سرمایه گذاری ناخالص از تولید	۶/۵	۷/۱	۷/۱	۷/۳

قبال بودجه عمرانی چنین آمده: «در بودجه سال ۱۳۷۲، سهم هزینه‌های عمرانی از کل هزینه‌های بودجه هنگام تصویب حدود ۴۰ درصد بود. ولی در عمل، هزینه‌های عمرانی تنها حدود ۳۳ درصد آن تحقق یافته است و در سال ۷۳ هزینه‌های عمرانی حدود ۳۷ درصد هزینه‌های دولت را تشکیل می‌داد ولی در عمل گفته می‌شود باز هم هزینه‌های مذکور حدود ۳۳ درصد کل هزینه‌ها شده است». و بالاخره در پایان مقاله آمده است: «ولی ظاهراً این آخرین بودجه مجلس چهارم باید فارغ از این مسایل اصلی باشد، و به جای آن بحث اصلی در بودجه پیرامون یارانه یا همان سوبسید سابق خواهد بود چراکه قاعده‌تاً قبل از انتخابات باید به مسایل مردم پرداخت و نه اقتصاد».

جناح اکثریت مجلس نظر دیگری در مورد تورم و مشکلات اقتصادی دارد این جناح شرکت‌های دولتی را عامل اصلی تورم می‌بیند و در این راستا خواهان کوچک شدن دولت و واگذاری این شرکت‌ها به بخش خصوصی است. روزنامه رسالت می‌نویسد: «شرکت‌های دولتی، عمومی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت ۱۴/۴ هزار میلیارد ریال (در سال آینده) وام داخلی دریافت می‌دارند و فقط ۱۰ هزار میلیارد ریال از وام‌های داخلی را می‌پردازند که این نشان از ۴ هزار میلیارد ریال کسری دارد... وقتی شرکت‌های دولتی این‌گونه به سمت منابع بانکی هجوم آورده و تازه می‌بانی را که دریافت کرده‌اند تمام و کمال برنمی‌گردانند، بانک مرکزی با کمبود منابع روبه‌رو شده، به چاپ اسکناس بدون پشتوانه اقدام می‌کند که تلخی آن را بارها آزموده‌ایم».

هفته‌نامه بهمن می‌نویسد: «آیا اقتصاد ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد؟ پاسخ گروهمی از اقتصاددانان به این سؤال مثبت است. از نظر آنان در کوتاه‌مدت، ایران باید یا از میزان مخارج شرکت‌های دولتی از جمله در زمینه سرمایه‌گذاری بکاهد و یا این که خود را برای مواجهه با نرخ تورمی بالاتر از ۵۰ درصد آماده سازد. از نگاه آنها کسر بودجه واقعی در اقتصاد ما رقمی میان ۲۰ تا ۴۰ درصد درآمد ملی است. این رقم از کسری بودجه یعنی تورمی با نرخ بالا... طی سال‌های گذشته

آقای زالی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه می‌گوید: «در هرحال کشور با تورم مواجه خواهد بود، اما باید با برنامه‌ریزی‌های اساسی آن را حداقل در سطح فعلی کنترل کرد تا تورم به صورت لجام گسیخته پیش نرود». وی می‌گوید: «در حال حاضر درآمدهای کشور محدود و نزدیک به ۷۰ درصد آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است. این مشکل در لایحه بودجه سال آینده نیز دیده می‌شود و تنها راه‌هایی، اتمام طرح‌های در دست اجرا، افزایش تولید و رشد صادرات فرآورده‌های غیر نفتی است».

روزنامه سلام در نقد بودجه با ارائه آماری (جدول شماره ۳) می‌نویسد: «براساس آمار سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، عموماً صرف جبران استهلاک یعنی سرمایه‌هایی که در طول سال عمرشان به پایان می‌رسد می‌شود و تنها حدود ۷ درصد آنها سرمایه‌گذاری خالص است و مطالعات نشان داده است که با ۷ درصد سرمایه‌گذاری خالص در ایران چیزی حدود ۲/۳ تا ۲/۵ درصد رشد اقتصادی سالانه خواهیم داشت و این رقم حتی نمی‌تواند رشد جمعیت را خنثی کند تا از سرانه تولید ناخالص کشور کاسته نشود». در این مقاله در مورد راه‌های افزایش سرمایه‌گذاری نوشته شده: «به علت وابستگی شدید بودجه ایران به نفت معمولاً با کاهش درآمدهای نفتی بلافاصله از بودجه‌های عمرانی کاسته می‌شود و این به معنای کاهش سرمایه‌گذاری است، این سیاست در مرحله اول مشکل بودجه سال موردنظر را حل می‌کند. ولی از آنجا که به کاهش اشتغال و عدم افزایش تولید منجر می‌گردد زبان‌های آن در بلندمدت معلوم می‌شود، گرچه راه‌حل عاجلی برای آن نیز نمی‌توان ارائه کرد. لیکن کاستن از بودجه جاری در بخش‌های غیر از دستمزد و حقوق امری است که باید صورت گیرد، ولی تجربیات سال‌های اخیر نشان داده است که مجلسی که پسرخلاف سیاست‌های پذیرفته شده در سال‌های قبلی بودجه جاری خود را افزایش شدید و خارج از عرف داده است چگونه می‌تواند گام مؤثری در جهت تعدیل یا صرفه‌جویی در این نوع از بودجه بردارد؟». در ادامه مقاله در رابطه با عملکرد واقعی دولت در

سیاست تعدیل اقتصادی دانسته و تعدیل این سیاست‌ها را شکست سیاست تعدیل اقتصادی خوانند. در حالی که جناح موسوم به راست مشکلات اخیر را ناشی از سیاست‌های گذشته و عواقب آن سیاست‌ها دانست روزنامه رسالت نوشت: «چرا مجلس سوم بدهی‌های خارجی ناشی از اجرای بودجه در سال‌های ۶۹ تا ۷۱ را ونو نکرد که امروز چوب آن را کشور، مردم و مجلس چهارم نخورند». این در حالیست که اکثریت مجلس چهارم به آقای محسن نوربخش وزیر سابق اقتصاد و دارایی رأی عدم اعتماد دادند. اما در یک جابه‌جایی در نهایت آقای نوربخش به ریاست بانک مرکزی منصوب شد. هرچند که آقای روغنی زنجانی (رئیس سازمان برنامه و بودجه) و آقای محمدحسین عادل (رئیس بانک مرکزی) از معماران سیاست تعدیل اقتصادی، در جریان سیاست‌های محدودکننده تعدیل اقتصادی از سمت‌های خود کناره گرفتند.

بودجه ارائه شده از سوی دولت برای سال ۷۵ بحث‌های جدیدی را در میان جناح‌های گوناگون دامن زده است. آقای میرزاده رئیس سازمان برنامه و بودجه که اولین بودجه سازمان تحت ریاست وی به مجلس ارائه داده شد، درباره ویژگی‌های بودجه چنین می‌گوید: «به خاطر آن که سرمایه‌گذاری‌های سال‌های قبل و امسال به بهره‌برداری رسیده و طرح‌های نیمه تمام و در دست اجرا زودتر به اتمام برسد، بودجه عمرانی برای سال آینده نسبت به امسال ۵۳ درصد افزایش یافته است؛ در حالی که هزینه‌های جاری فقط ۱۵ درصد رشد خواهد یافت». وی درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی در قانون بودجه سال آینده را ۱۵ میلیارد و ۹۹۰ میلیون دلار ذکر کرد و گفت: «این میزان درآمد نفتی، ۱۸/۲ درصد از درآمدهای امسال فروش نفت بیشتر است». وی در مورد نرخ ارز گفت: «نرخ ارز برای هر دلار آمریکا در سال آینده نیز بیش از ۳ هزار ریال نخواهد بود. ضمن آن که این رقم تا ۲۰ درصد قابل کاهش است. تثبیت نرخ ارز یکی از اهرم‌های کنترل فشارهای تورمی است و انتظار می‌رود میزان رشد تورم در سال آینده نسبت به امسال تقلیل یابد». وی در مورد حجم بودجه سال ۷۵ گفت: «بودجه سال آینده به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ نه تنها رشدی ندارد، بلکه رشد منفی نیز داشته است». آقای میرزاده گفت: «بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها سال آینده ۳۹/۹ درصد نسبت به امسال افزایش خواهد داشت که این رشد نشان‌گر فعالیت‌های خوب تولیدی و خدماتی این دستگاه‌ها در جهت تحقق اهداف دومین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور است».

اغلب ما سیاست‌هایی دوگانه داشته‌ایم؛ به این معنا که از نظر سیاست‌های پولی تا حد امکان اهداف ضد تورمی را دنبال کرده‌ایم (سیاست‌های انقباضی پولی) اما از نظر سیاست‌های مالی به دنبال اهداف ضد رکودی بوده‌ایم (سیاست‌های انبساطی)».

دکتر ابراهیم رزاقی اقتصاددان در مورد بودجه ۷۵ به افزایش نقش مالیات تأکید دارد وی می‌گوید: «تورم موجود ضمن این که اختلاف طبقاتی را تشدید می‌کند موجب می‌شود که اثر منفی بر سرمایه‌گذاری مولد بگذارد... متأسفانه سهم درآمد مالیاتی از کل درآمد دولت از ۴۰ درصد در سال ۷۰ و ۳۸ درصد در سال ۷۱ کاهش پیدا کرده و به ۱۹/۶ درصد در سال ۷۵ رسیده است و مهم‌تر آن که تنها ۲۰ درصد از کل درآمد مالیاتی از بخش‌های وابسته به داخل گرفته می‌شود و ۸۰ درصد بقیه مالیات‌هایی است که از واردات کالاها و بخش‌های وابسته به نفت و خراج از کشور گرفته می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که مبارزه‌ای که به لحاظ تفکر و اندیشه برای اصلاح ساختار بودجه و اقتصاد ایران شروع شده بود و جزو اهداف انقلاب بود به تدریج کند شده است».

با وجود بحث‌های بسیار بر روی ارقام بودجه آن‌چه از تفریغ بودجه سال ۷۱ - ارائه شده از سوی دولت به مجلس - به دست می‌آید اختلافات فاحش بین ارقام تصویب شده و ارقام اجرا شده است. در پایان گزارش تفریغ بودجه سال ۷۱ با تأکید بر این فاصله‌ها گفته شده است که این فاصله‌ها «نظام برنامه‌ریزی را خدشه‌دار می‌کند».

اگرچه بودجه سیاست‌های اقتصادی دولت را در طول سال آینده معین می‌سازد، اما آنچه مسلم است سیاست‌های اقتصادی دولت در بودجه، تابع سیاست کلی اقتصادی یعنی چگونگی توسعه اقتصادی دور خواهد زد.

توسعه اقتصادی، دیدگاه‌ها

دکتر علی طیب‌نیا می‌گوید: «ما استراتژی توسعه روشن و مشخصی نداریم و در سال‌های قبل از انقلاب استراتژی جایگزینی واردات بود که باعث ایجاد یک بافت صنعتی وابسته شد. وی معتقد است: «اگر به جای پروژه‌های پرخارج به دنبال صنایع کوچک باشیم می‌توانیم توسعه صادرات را امکان‌پذیر سازیم و هنوز معلوم نیست که استراتژی توسعه صادرات داریم یا جایگزینی واردات».

جداً از آن‌که کدام استراتژی توسعه مدنظر باشد، قدم اول در راه توسعه جذب سرمایه در زمینه تولید است. مدیرکل توسعه صادرات وزارت

صنایع می‌گوید: «متأسفانه به خاطر اعمال سیاست‌های انقباضی بانک‌ها، صادرات و تولید رو به کاهش است و باید برای رفع این مهم تلاش کرد».

رئیس اتاق بازرگانی پیش‌بینی می‌کند رقم صادرات غیرنفتی به حدود ۳ میلیارد دلار برسد در حالی که این رقم در سال گذشته ۴/۴ میلیارد دلار بود. آقای عسگراولادی در یک سخنرانی سیاست‌های جدید محدود کردن تعدیل اقتصادی، لغو قانون واردات در برابر صادرات و... را مقطعی دانسته و بیان داشت در شرایط مناسب سیاست‌های گذشته مجدداً به اجرا گذاشته خواهند شد. این در حالیست که تأمین وجوه ارزی لازم برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی هم‌چنان به قوت خود باقی است. یک مقام مسئول در بانک مرکزی اعلام کرد در سال ۷۳، مبلغ ۵/۵ میلیارد دلار از بدهی‌ها پرداخت شده است. آقای مرتضی نبوی در مورد بدهی‌های خارجی ایران می‌گوید: «بدهی‌های حال و آینده خارجی ما حدود ۳۲ میلیارد دلار است که پیش‌بینی شده طی برنامه دوم سالی ۱/۶ میلیارد دلار کم شود».

دکتر فریبرز رئیس‌دانا معتقد است: «سیاست تعدیل ساختاری در اقتصاد ایران مثل تقریباً تمامی کشورهایی که زمینه‌ها و شرایط لازم را نداشته‌اند (آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به خصوص در این قاره آخری) اما آن را پیش گرفتند، نتیجه‌ای جز تورم، رشد نیافته ماندن ساختار صنعتی، رکود نسبی و گرایش به سمت صادرات کالاهای معین اولیه و یا نیمه ساخته نداشته است. در ایران با آن که سیاست‌های کاهش کسری بودجه و صفر کردن مطرح شد اما این کسری بودجه به جای ماند. البته به مقدار کمتر از گذشته - و فشارهای تورمی خود را ایجاد کرد. در ایران نیز افزایش صادرات غیرنفتی ایجاد شد. اما در مقابل، واردات نیز رشد کرد و بدهی‌های خارجی و فشارهای بعدی برای بازپرداخت اصل و بهره آن، منابع ارزی را به خود اختصاص دادند. در ایران نیز حذف کنترل قیمت و سیاست‌های بازارگرایی یک دم هم تورم را از نفس نینداخت و تعادل موهوم، هم‌چنان در افسانه‌ها باقی ماند. تولید به جریان نیفتاد و بازار به تخصیص بهینه منابع کمکی نرساند، و تورم منابع مالی را به سمت فعالیت‌های ناکارآمد سوق داد».

دکتر مهدی تقوی استاد دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی در مورد سیاست تعدیل اقتصادی می‌گوید: «سیاست تعدیل بسیار شتاب‌زده و بدون بررسی بود. در زمان جنگ که دولت کنترل شدید داشت قیمت‌ها با سطح درآمد مردم سازگار بود و مردم این قدر دچار فلاکت نبودند. سیاست تعدیل باعث افزایش نرخ تورم و بدهی‌های ارزی شد. در

واقع رقابت نه تنها انگیزه افزایش کارآیی را به صنایع ما نداد بلکه بسیاری از آنها را فلج کرد. از آنجایی که این سیاست بدون مطالعه در پیش گرفته شده بود، دولت وادار شد که پس از چندی، راهی را که رفته بود تا حدی بازگردد و دوباره ارز را تحت کنترل خود بگیرد که این نوعی زیگزآگ در سیاست اقتصادی است و ما از این زیگزآگ‌ها زیاد داشته‌ایم».

آقای کمال اطهاری کارشناس اقتصاد می‌گوید: «در برنامه دوم توسعه، بخش کشاورزی به عنوان محور توسعه انتخاب شد. این انتخاب هنگامی صورت گرفت که کمابیش روشن شده بود که تا ۱۰ سال آینده، ایران دیگر صادرکننده نفت نخواهد بود. یعنی تا ۱۰ سال آینده باید جایگزینی برای درآمد ارزی نفت در بخش‌های دیگر اقتصاد پیدا شود. این جایگزینی به معنای صادرات غیرنفتی حداقل به میزان ۲۵ میلیارد دلار در سال خواهد بود. از آنجا که بنابه نظر اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان، بخش کشاورزی ایران ظرفیت محدودی برای صادرات دارد. این بخش صنعت است که در ۱۰ سال آینده باید صادراتی بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار داشته باشد... صادر کردن ۱۵ الی ۲۰ میلیارد دلار کالای صنعتی، با احتساب نسبتی که بین تولید و صادرات باید وجود داشته باشد، به منزله تولید صنعتی به ارزش ۶۰ الی ۷۰ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی ۲۰۰ میلیارد دلار در سال خواهد بود. در حالی که تولیدات صنعتی کنونی ایران حدود ۱۰ میلیارد دلار و کل تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۶۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود».

براساس پیش‌بینی اکونومیست تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۹۹۶ میلادی به ۵۹/۸ میلیارد دلار می‌رسد که بر مبنای ۶۷/۶ میلیون نفر جمعیت کشور درآمد سرانه معادل ۸۸۰ دلار خواهد بود. در سال‌نامه قبلی اکونومیست تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۹۵، حدود ۲۹/۱ میلیارد دلار ذکر شد که معادل ۴۴۰ دلار درآمد سرانه بود. اکونومیست هم‌چنین پیش‌بینی کرده است، سطح تورم در سال ۱۹۹۶ میلادی ۱۵ درصد نسبت به سال ۱۹۹۵ تنزل می‌یابد و در حدود ۳۵ درصد خواهد بود.

پیوستن و یا نپیوستن ایران به گات از جمله مباحث این روزها می‌باشد. سیاست اتخاذی در قبال گات تأثیری تعیین‌کننده بر سیاست‌های توسعه خواهد داشت. دکتر طیب‌نیا می‌گوید: «در بلندمدت ما هیچ راهی جز پیوستن به گات را نداریم و در بلندمدت باید تلاش کنیم تا آرام‌آرام حمایت‌ها را برداریم تا بتوانیم از مزایای پیوستن به گات استفاده کنیم چرا که در غیراین صورت

صادرات و واردات کشور دچار مشکلات جدی خواهد شد و در کوتاه مدت نیز عده‌ای مخالف پیوستن هستند و عده‌ای موافق پیوستن. بنابراین ما باید نسبت به اقتصاد شناخت پیدا کنیم که در این موضوع چه بخش‌هایی و با چه توانایی‌هایی ضرر می‌بینند و چه بخش‌هایی منتفع می‌شوند... موضوع پیوستن ایران به گات هنوز به صورت نهایی در دولت طرح نشده است و در آینده دولت در این مورد بررسی و تصمیم‌گیری خواهد کرد».

دکتر محمدسعید نوری نائینی نماینده دائم ایران در سازمان خواروبار و کشاورزی جهان (فائو) در رابطه با گات می‌گوید: «برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی علاوه بر موافقت ایران، پذیرش شرایط این سازمان نیز لازم است و این شرایط در برخی موارد تا ضرورت تغییر چند ماده از قانون اساسی نیز پیش می‌رود». وی گفت: «۱۲۵ کشور به گات پیوسته‌اند و ایران نیز در حال مطالعه در این باره است... اگر ما به گات نپیوندم، تنها زیان‌های نپیوستن عایدمان می‌شود بی آن که از مزایای عضویت در گات نیز بهره‌مند شویم».

از جمله راه‌حل‌های دیگری که برای حل مشکل سرمایه‌گذاری و حجم نقدینگی مطرح شده انتشار اوراق مشارکت است. پروژه طرح نواب در واقع نمونه‌ای از انتشار اوراق مشارکت جهت سرمایه‌گذاری بود.

در مجله تدبیر چنین آمده: «دولت‌هایی که در بعد از انقلاب در ایران مستقر شدند به دلیل محروم شدن از ابزار کارآمدی مثل اوراق قرضه، مجبور به استفاده از ابزار سیستم بانکی و استقراض از بانک مرکزی بودند. این امر منجر به گسترش پایه پولی کشور و افزایش حجم نقدینگی و فشارهای غیرقابل اجتناب تورمی شد... عدم استفاده از مکانیزم اوراق قرضه تنها بر روی ساختار پولی کشور اثر نگذاشت بلکه موجب شد تا چگونگی تأمین منابع مالی طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری با مشکلات اساسی روبه‌رو شود. به طوری که در حال حاضر ساختار اجرایی مملکت مواجه با تعداد قابل توجهی طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام شده که به عنوان معضل بزرگی بر سر راه توسعه اقتصادی کشور قد علم کرده‌اند. این مشکل تا بدان جا پیش رفته است که مدیریت جدید سازمان برنامه و بودجه تصمیم بر این دارد که به علت کمبود منابع مالی تعداد قابل توجهی از طرح‌های تولیدی و عمرانی را متوقف سازد».

اگرچه تلاش‌هایی در جهت تقویت بورس و با اتخاذ سیاست‌هایی چون انتشار اوراق مشارکت می‌شود، اما به دلیل حجم بالای نقدینگی و نبود جاذبه‌های کافی در جذب سرمایه‌های خصوصی در این بخش، این تلاش‌ها نتوانستند

تأثیر ملموسی از خود برجای گذارند. اما راه‌حل دیگر، جلب سرمایه‌گذاری خارجی است و در این میان مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردارند.

سرمایه‌گذاری خارجی، موانع

آقای الوری دبیر شورای عالی مناطق آزاد می‌گوید: «تاکنون برای انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری و صنعتی کشور بیش از ۶۵۰ درخواست از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به مناطق آزاد ارایه شده است. حجم سرمایه‌گذاری درخواستی توسط خارجی‌ان که به صورت مشارکت با سرمایه‌گذاران داخلی صورت می‌گیرد، بالغ بر ۵ میلیارد دلار است. ولی بسیاری از این سرمایه‌گذاران منتظر مشخص شدن وضع سیستم بانکداری و سیاست‌های ارزی در مناطق آزاد هستند».

آقای «اونی شی» مدیرعامل مرکز تجارت خارجی ژاپن در تهران گفت: «هم‌اکنون شرایط سرمایه‌گذاری در ایران به هیچ‌وجه مناسب نیست، از این رو بسیار دور از ذهن است که شرکت اوتافوکو قصد سرمایه‌گذاری در ایران را داشته باشد». این در حالیست که قبلاً گفته شده بود این شرکت خواهان سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد شده است. هرچند گفته شده بخش بزرگی از سهام شرکت نورد آلومینیوم به یک شرکت سوئیسی به نام «بال میس کامرس آگ» فروخته شده است، اما هنوز مرحله دوم وام ژاپن - جهت پروژه سد کارون - و نیز وام ۱/۸ میلیارد دلاری آلمان به ایران پرداخت نشد. شرکت بیمه هرمس آلمان که مسئول تضمین وام آلمان به ایران است پرداخت آن را منوط به گزارش بانک جهانی در مورد برنامه دوم پنج ساله ایران کرده است.

جناح‌های حاکم در آمریکا در پی طرح تحریم‌های تجاری خود اخیراً لویج دیگری در راستای تشدید تحریم و فشار بر ایران در مجلس نمایندگان مطرح ساخته‌اند. در لایحه اول که به وسیله رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان مطرح شده، دولت آمریکا از خرید و فروش و دادن اعتبار و هرگونه خدمات به شرکت‌هایی که به ایران تجهیزات می‌فرستند منع شده است. در لایحه دوم تحریم شرکت‌هایی که در ایران به حفاری نفت می‌پردازند منظور شده است که در این رابطه دو شرکت نفتی فرانسوی «توتال» و «الف» خواستار مداخله دولت فرانسه و کمیسیون اروپا شدند.

لایحه دیگری نیز از سوی «داماتر» مطرح شده

که گویا بسیار شدیدتر از لویج ذکر شده می‌باشد. هم‌چنین مجلس آمریکا لایحه‌ای تصویب کرد که در آن ۲۰ میلیون دلار جهت انجام عملیات مخفی علیه ایران تخصیص یافته است و بالاخره قطع‌نامه نقض حقوق بشر در ایران با ۷۷ رأی موافق (۶۰ کشور از اروپا و آمریکا)، ۲۷ رأی مخالف، ۵۹ رأی ممتنع و ۲۲ کشور عدم رأی در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید.

در این میان سیاست اروپایی دولت ایران نیز با مسایلی روبه‌رو شد. رئیس بخش شرق‌شناسی دانشگاه بن آلمان با ارسال نامه‌ای برای آقای رفسنجانی رئیس جمهور از وقایع دانشکده فنی (حمله به سخنرانی آقای سروش) ابراز تأسف کرد وی از دولت خواست که برای روشنفکران ایرانی محیطی عقلانی و برخوردار از آزادی فراهم بیاورد تا آنها درباره تحولات آینده و ایران سخن بگویند. هم‌چنین در پی حکم دادستان آلمان، آقای ولایتی وزیر امور خارجه گفت: «حکم بازداشت وزیر اطلاعات ایران توسط دادستانی آلمان مورد قبول مقامات رسمی این کشور نیست».

و بالاخره پارلمان آلمان در واکنش به سخنان آقای رفسنجانی رئیس‌جمهور در رابطه با قتل اسحاق رابین خواستار لغو دعوت از آقای ولایتی وزیر امور خارجه شد که دولت آلمان مجبور به تعویق کنفرانس «اروپا و دنیای اسلام» شد. قرار بود آقای ولایتی در این کنفرانس شرکت کند.

فعالیت مجدد اعراب در رابطه با ۳ جزیره ایرانی، فعالیت آمریکا و اسرائیل در کشورهای آسیای میانه و... نیز از مسایلی هستند که فراروی سیاست خارجی ایران قرار دارد که مجموعه آن‌ها جلب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

حال باید دید مجلس آینده و دولت به کدام سو می‌روند و چه راه‌حلی برای توسعه اقتصادی و مهار تورم انتخاب می‌کنند؟ با توجه به آینده نفت و این که هم‌اکنون نیز پاسخ‌گویی نیازهای سرمایه‌های ایران نیست آیا ایران استراتژی جایگزینی واردات را پی می‌گیرد یا استراتژی توسعه صادرات؟ چگونه به بازارهای جهانی راه می‌یابد؟ چگونه سرمایه لازم را تأمین می‌نماید؟ با اوراق مشارکت؟ کاستن از بودجه جاری و در نتیجه کوچک کردن دولت؟ فروش طرح‌های نیمه تمام دولتی؟ فروش کارخانجات؟ جلب سرمایه‌های خارجی؟ آیا ایران به سازمان تجارت جهانی می‌پیوندد؟ در آن صورت تبعات آن چه خواهد بود؟ در عرصه رقابت بین‌المللی کالاها دو عنصر اصلی یعنی تکنولوژی و سرمایه چگونه تأمین خواهد شد؟ و بسیاری سؤال‌های دیگر که هم‌چنان در برابر مجلس و دولت آینده قرار دارند. □